

. +

「 ‹ › »

:

:

γ γ
[]

Σ

()

.

o

7

:

:()

.

()

:

v

^

پي نوشت

-
- (۱) در تاریخ معجم در اوائل ترجمه هوشنگ گفته: «و کافه امم در ریاض امن و امان سلامت و حدائق فراغ و رفاهیت خوشدل و آسوده شدند».
- (۲) شبیه به این عبارت در مقدمه تاریخ معجم ضمن ذکر مدائح اتابك نصره‌الدین احمد آمده است.
- (۳) در سابق یاد شد که «قلان» و «قبجور» را که از اصطلاحات دیوانی آن دوره است در کتب لغت دسترس پیدا نکردم.
- (۴) «تقاوی» کمکی است که مالک برعیت بطور وظیفه و مستمری سال بسال می‌دهد چنانکه فعلاً نیز این اصطلاح در بعضی بلاد بکار می‌رود و در لغات وصال گفته: «تقاوی یکدیگر را و آخر بدن و بزیادتی شریک کاری نمودن» و معنی دوم مؤید معنی مزبور است.
- (۵) در مکاتبات رشیدی این‌نامه را نامه پنجم مکاتبات قرار داده و تحت این عنوان «مکتوب که بر فرزند خود امیر محمود حاکم کرمان بجهت اهالی بم نوشته است» نقل کرده (ص ۱۰-۱۲).
- (۶) در اصل: «حکایت شکایت».
- (۷) این دو کلمه را که از اصطلاحات درآمد دیوانی آن دوره بوده است در کتب لغت که در دسترس دارم پیدا نکردم.
- (۸) در لغات و صاف گفته: «چریک لشگر پادشاهی و بعضی اوقات مطلق لشگر را نیز گویند»